

قصه‌هایی از تاریخ و مهربانی و طبیعت

نگاهی به مجموعه داستان «خاطر عاطر»



نسیم خلیلی

پژوهشگر و نویسنده

«خاطر عاطر» مجموعه‌ای از داستان‌های ساده و خوش‌خوان نوستالژیک و عطرآگینِ ست که نویسنده خود می‌گوید در حال و هوایی از خاطرات جسته و گریخته‌ی خویش در دهه‌ی پنجاه خورشیدی و یاد و دلنتگی پدر و مادرش قلمی کرده‌است، و همین توضیح کوتاه کافیتست تا مخاطب بیاند با چه جنس روایت‌هایی در این کتاب خواهد زیست. روایت‌هایی که افزون بر ماجرا، مشحون از داده‌های تاریخمندند، مولفه‌هایی که آن‌ها شورانگیز و متناثرکننده‌ی نوستالژی و گذشته‌گرایی حاوی دلنتگی را بر دوش می‌کشند، از صدای پنکه‌ی سبز گوشه‌ی اتاق در ظهر تابستان بگریکراتنور سفالی و کاروانی از شترها که کنده‌های درخت آورده‌اند برای آتش خانگی و بعدتر کم‌کم فضای داستان‌ها دست مخاطب می‌آید، کوجه‌های کودکی و مردان بلوچ با لباس‌های محلی آبی نفتی، سفید، آندوه تماشای نحر شتر و شادی سوغاتی گرفتن؛ دو تا گوش ماهی که یکی شان رگه‌های سبز و زرشکی دارد و اگر کنار گوش بگیری شان صدای دریا می‌دهد. قهرمانان اصلی داستان‌های نیره نورالهدی در این کتاب اغلب دخترکان دبستانی‌اند، تلماحکمت و دوستانش که آقای سماک باشی که در بندر ماهی‌گیری هم می‌کند، در اتاق محقر و زیبایش به اشکالات ریاضی‌شان می‌رسد. روایتها چنان ساده و ملموس نوشته شده‌اند که با بیشتر آنها احساس همدات پنداری می‌کنی مثلا وقتی تلما از حزن دیدن ناگهانی نحر شتر به خانه برمی‌گردد و می‌فهمد که مادرش با گوشت همان شتر قربانی غذا پخته است؛ «باشیندن گوشت قربانی شتر، تمام آن تصاویر هولناک ذبح در ذهنم تداعی می‌شود... می‌نشینم سر سفره، پارچه‌ی نان را بازمی‌کنم، یک تکه کتلت می‌شکنم و روی یک تکه نان می‌گذارم دهانم، اما هر چه سعی می‌کنم لقمه از گلویم پایین نمی‌رود... نویسنده پیش از اینکه به اینجا برسد در یک توصیف کاملاً بصری همراه با جزئیات، قربانی کردن شتر را چوانان منظره‌ای هراس‌انگیز در برابر نگاه مخاطب جان می‌دهد و آن همدات پنداری از همین توصیفات روشن و مستند برمی‌خیزد و این هنر قلم نویسنده را بازمی‌نمایاند: «چشمانم از پشت پنجره‌ی کوچک چوبی، می‌بیند آنچه را نباید می‌دید! شتری قهوه‌ای کوبر است؛ کوبری که ساربان فروشنده‌ی سالخرد‌هاش او را سحرگاهان، از جاده‌های پرپیچ و خم خاکی‌اش گذرانده و صبح زود به بازار مالفروشان هندی‌ها، پاکستانی‌ها و بلوچ‌ها آورده بود و او را یکی از همسایه‌های معصوم خریده بود و حالا انگار او دیگر خون و نایی در بدن نداشت... وقتی قصاب و چند نفر مرد قوی بیگل شتر را می‌گیرند رانوا هایش را تا می‌زنند، سر و گردش را می‌گذارند لب باغچه، فقط دست‌هایشان را می‌بینم که از پرخونی و فشار تیره شده‌است و می‌رود تا بنفش نیلی شود. من آن دست‌ها را شبیه یک عرقب می‌بینم که با تیش هایش گارد گرفته‌است تا طلع‌ها اش را خفه کند.» و به این ترتیب است که نویسنده در حالتی از آندوه و هراس صحنه‌ی آشنایی را در فرهنگ زندگی مردمانی که می‌شناسدشان توصیف می‌کند و همدلی مخاطب زودرنج را برای خودش می‌خرد، مخاطبی که همچون نویسنده دوست دارد دست زیر چانه بزند و به کاروان نگارنگ و آدین بندی شده‌ی شترهای نگا کند که با خودشان زندگی به خانه‌ها می‌آورند؛ کنده‌ی درخت و نمک و خوراکی، چنانچه در داستان «سنگ و چتر» قهرمان به کمک لاک‌پشتی می‌رود که بچه‌هایش سنگ برانی می‌کردند، تلما لاک‌پشت را نتاج می‌دهد، اولش با شاخه‌ی درختی که کار اهرم را می‌کند، آن را زورنگی و بعد هم از گرسنگی، برای نویسنده حیوان ره‌اشده از ستم، یک شخصیت عاطفی دارد، و از همین روست که تو گوپی انسان منجی را می‌شناسد و دوستش می‌دارد؛ «سروش را از لاک نیمه شکسته‌اش بیرون آورده‌است و با چشمان مهره‌ای سیاهش نگاهی پرمعنا به من می‌اندازد و دست و پاهایش را یکی بعد از دیگری بگوش می‌آورد و روی زمین خاکی، آرام راه می‌رود. ردی از خویابه و عبورش روی زمین کشیده می‌شود.» و از همین روست که باید با قاطعیت گفت افزون بر اینکه داستان‌های نهفته در این کتاب وجهی تاریخمند دارند و جزئیات زندگی مردمان کویرنشین را در یک برهه‌ی زمانی خاص تصویر می‌کنند، نویسنده کوشیده‌است به آنها صبغه‌ای به شدت عاطفی ببخشد، این رویکرد را مخصوصا در دو داستان متوالی «تا دیر» و «تا زود» می‌توان باز یافت، ماجرای قهر و غضب تلمای قهرمان نسبت به خشونت معلم و بالا فاصله ترسیم صحنه‌ی این کتاب میان آنها در داستان بعدی، گوپی نویسنده مصر است جهانی را که مردمانش عرق‌های شکارچی بی‌رحمی هستند که شتر قربانی را بر لب باغچه‌های پرگل به سمت مرگ می‌برند، عمیق و خواستنی و مشحون از لطافت کند، بایستد در برابر هر خشونتی و همه چیز را برگرداند به لحظات پیش از کدورت و رنجش و این معرف‌شناسی اوست و از این رهگذر برای این کتاب ساده‌ی کوتاه که یک نفس می‌توانی بخوانی و یگداری‌اش کنار، می‌توان وجه و سویی‌های فلسفی ماب‌هم تعریف کرد؛ مابه این جهان آمده‌ایم که مهربانی کنیم آنچه که به یادمان می‌ماند نیز همین است؛ «پشت پنجره‌ی دفتر مدرسه‌ی روم، دست‌هایم را روی شیشه‌ی قلاب می‌کنم، خاتم معتضد را می‌بینم، جعبه‌ی کادویم را باز کرده و با جهره‌ای خندان تعارف معلم‌های دیگری می‌کند، به ردیف معلم‌های پشت پنجره نزدیک قلاب دست‌هایم که می‌رسد، درخشش شکره‌ها را روی دانه‌های کنار هم ردیف شده‌ی بیسکویت‌ها زیر نور آفتاب به خوبی می‌بینم، این تصویر در ذهنم مثل یک عکس یادگاری ثبت می‌شود.» اگر این منظره را یگنارید کنار رفاقت کوتاه تلما و روشک در کابین اتوبوسی که به سمت روستای زادگاه پدر می‌رود با منظره‌ی عاطفی ماندگار دیگری در این کتاب مواجه شده‌اید، روستایی که در سپیده‌ی صبح وقتی هوا هنوز تاریک است، به آن می‌رسند تا نویسنده و چه دیگری از داستان گوپی دل انگیزش را نشان مخاطب بدهد؛ وجهی از طبیعت‌گرایی و توصیف عطر و بویها و منظره‌های طبیعی: «آن خنکای هوا بوی مطبوع گیاهان کوهی و معطر جاده‌ی خاکی روستا را که به صورت‌های گرم‌ان می‌خورد، دوست داشتم... صدای قدم‌هایمان روی رنگ‌های جاده‌ی خاکی در سکوت سحر دلنشین

و دلگرم‌کننده بود. صدای موزن تنها

مسجد روستا که بلند شد، دلم بیشتر

آرام گرفت.» و به این ترتیب است که

زیستون در «خاطر عاطر»، مثل زیستون

در تاریخ و طبیعت بکر روستایی بر

جاده و زیر خنکای پنکه و در جان پناه

عواطف سرشار انسانی، برای لحظاتی

آدمی را از رنج‌های زیستون در واقعیت

جدا می‌کند و این رمز خوش‌خوان

بودن این کتاب است.

چهارشنبه

۲۰ • ۰۱ • ۱۴۰۴

۱۰ شوال ۱۴۴۶ / ۹ آوریل ۲۰۲۵

سال هشتم

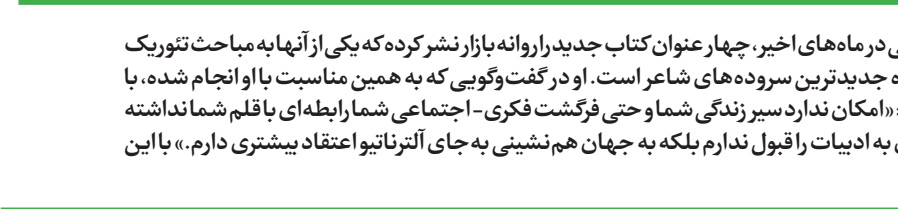
شماره ۲۰۷۸

armanmeli.ir

عابدین پایي به مناسبت انتشار آثار جدید:

هیچ شاعری با «ناشر» شاعر نمی‌شود

◀ **باید بر تن کلمات لباسی دموکراسی پوشاند**



آرمان ملی: عابدین پایي، شاعر و منتقد ادبی در ماه‌های اخیر، چهار عنوان کتاب جدید را روانه بازار نشر کرده که یکی از آنها به مباحث تنوریک

پرداخته شد و سه عنوان بعدی، در بر دارنده جدیدترین سروده‌های شاعر است. او در گفت‌وگویی که به همین مناسبت با او انجام شده، با

اشاره به نسبت آثار و درویناتش گفته است: «امکان ندارد سیر زندگی شما و حتی فرگشت فکری – اجتماعی شما رابطه‌ای با قلم شما نداشته

باشد.» و می‌گوید: «من انحصاری فکر کردن به ادبیات را قبول ندارم بلکه به جهان هم‌نشینی به جای آلترناتیوا اعتقاد بیشتری دارم.» با این

گفت‌وگو همراه شوید.

◀ **به تازگی مطلع شدیم که چند کتاب از شما توسط**

انتشارات علوی و رسولی تهران به چاپ رسیده‌است. لطفاً

بفرمایید این آثار در چه حوزه و زمینه‌هایی نوشته شده‌اند؟

بله؛ اخیراً تعداد ۴ کتاب با نام‌های: «در دایره رویکرد»،

«ستونی از ماهنامه گریه»، «دل‌دلو برای برهنگی دست‌ها

می‌سوزد» و «تیرفنگ» از این قلم به چاپ رسیده و در اختیار

خوانندگان قرار گرفته‌است. کتاب «در دایره رویکرد» شامل

۲۱۲ صفحه‌است که محتوای آن حاوی یک پیشگفتار و ۱۵

رویکرد می‌شود. در این کتاب سعی کرده‌ایم به نظر و اندیشه

و از همه مهم‌تر به فرهنگ «خودزایی» توجه داشته باشیم؛

به‌طوری‌که اغلب رویکردها تازه و بکر با مضامینی قرارورنده

هستند. من اصلاً به جامعه‌ای که نه بیشتر می‌نویسد؛

بلکه بیشتر می‌اندیشد اعتقاد دارم؛ چرا که در جهان امروز

(پست‌مدرن) بحث باتا فیزیک مطرح است؛ یعنی شرحی بر

جهات تکمیلی نوشتن. ضمن اینکه انفجار اطلاعات رایج

شده و هوش مصنوعی هم برخی از مفاهیم را به حاشیه‌برده و

خواهد برد. بنابراین برای مقابله با مباحث رویتن و کلیشه‌ای

بایستی نویسنده و سراینده رایش و بایش فکری داشته باشد

تا که خود واقعی‌اش رایبند کند و من در این کتاب همین مسیر

را انتخاب کرده‌ام. هر نویسنده یا شاعر بایستی به تک‌تک

کلمات جهان توجه کند و گرایش به جزئیات ادب و هنر،

چه بسا بهتر از کلی‌گویی و دیگرنویسی است. من نویسنده‌ی را

بیشتر از نویسا شدن قبول دارم و در کارهایم این روند و شیوه

از نگاشتن را دنبال کرده‌ام. دایره رویکرد تنها به یک موضوع یا

رشته و گرایش توجه ندارد بلکه نوعی پلی فونی (چند صدایی)

است که می‌خواهد از صداهای طبیعت و جامعه حمایت کند.

این کتاب گاهی از غم نان می‌گوید و گاهی هم لازم می‌داند

آزودر بسیم کامو را در جامعه مطرح کند و گاهی هم گفتمان

پرانتر در پرتنر از رابری خوانندگان بازمی‌کند و این چندوجهی

بودن در همه کارهای من دیده می‌شود. من انحصاری فکر

کردن به ادبیات را قبول ندارم بلکه به جهان هم‌نشینی به جای

آلترناتیو اعتقاد بیشتری دارم. باید بر تن همه کلمات صبغه و

لباس دموکراسی راپوشاند تا که زبان کلمات فصل‌ها را بسازد.

سه اثر دیگرم مجموعه اشعاری هستند که در قالب شعر امروز

(نو) و شعر منظوم و به‌ویژه چارگانه‌ها و غزل سروده شده‌اند و

درونمایه این آثار انتقادی – اعتراضی و در جوانی اجتماعی

است. من در تمام اشعارم دو رویکرد دارم؛ یکی اعتراض و

انتقاد است و دودیگر رویکردی معرفت‌شناختی و عاشقانه

که البته این نوع نگاه در آثار اولیه و میانی من بیشتر دیده

می‌شود. کتاب‌های شعر من به ۳۱ دفتر می‌رسد که همگی

منتشر شده‌اند. از هیچ ناشرن اجنایی برای نشر کتاب‌هایم

استفاده نکردم؛ چرا که فکر می‌کنم نشر در ایران بر اساس

باندبازی در حرکت است. هیچ شاعری با ناشر شاعر نمی‌شود

با خود واقعی خودش ت در شعر و نوشتار پیدا نمود که من

همین کارا کرده‌ام.

◀ **گویا یکی از دغدغه‌های بنیادی شما توجه به مباحث**

اجتماعی و روان‌شناختی و سایر رویکردهاست که در

آثارتان پیداست دلایل این شیوه از نگاشتن ریشه در چه

چیزهایی دارد؟

فکر می‌کنم هر نویسنده‌ای تابع تجارب زیسته و آمال و

آرزوهای درونی و بیرونی‌اش می‌نویسد و می‌سراید. امکان

ندارد سیر زندگی شما و حتی فرگشت فکری – اجتماعی شما

رابطه‌ای با قلم شما نداشته باشد. بله، من در اغلب آثارم

نگاهی اجتماعی و جامعه‌شناختی و نگاه روان‌شناختی به

مباحث چه شعر باشد چه نثر دارم. اصلاً در جهان امروز

همه مفاهیم باهم ارتباط دارند و شما نمی‌توانید تنها ادبیات

(داستان، زمان و شعر) و حتی طنز و نمایشنامه نویسی و

غیره را تنها با رویکردی ادبی و تخصصی بررسی نمایید، من

چون روزنامه‌نگار و نویسنده بوده‌ام و از جهانی‌تبارشناسی

و دیرینه‌شناسی هم کار کرده‌ام و از همه مهم‌تر زندگی‌ام با

فرز و فرود بسیاری در تصادم بوده‌است، بنابراین شخصیتی

چندوجهی را در اجتماع تجربه کرده‌ام و جامعه و مردم جامعه

به من آموخته‌اند تا که چند منظومه و چند منظوره فکر کنم

و شاید این شیوه ریشه در دترمینیسم سنت و تاریخ و اجتماع

فرارو داشته و دارد. مطالعه بسیار در همه زمینه‌ها و تجربه

طبیعت، جامعه و انسان از ععدم مواردی است که قلم بنده را

چندوجهی کرده‌است البته بعضی‌ها به نوع نوشتار من ایراد

می‌گیرند، اما من در هیچ قالبی قرانمی‌گیرم بلکه می‌قاب،

قالب‌سازی می‌کنم تا که قالب‌ها ساخته شوند. رابطه اجتماع

و روان اجتماع خارج از ادب و شعر و هنر نیست. شما نوعی تولید

اجتماعی‌است که آبشخور آن جامعه‌است. خیلی از کلمات را

وارد ادبیات و شعر کرده‌ام تا که شاید این آشتی تضادها به صلح

و آرامش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌ها کمک کند.

و آرمش زبان‌ه‌افی‌مالین رشته‌ها و میان رشته‌